

میگو اگر بخوری بزرگ میشی تو فوری

شعر : مرتضیٰ هراچی

تصویرگر : نفیسه روح الامین



اون عاشق بازیه
دو آبشش و یک تیغک
غذا میخوره یه کم
شنا براش آسونه
فقط برای شناست
باش راه میره اون درست
سخت پوست میگن به اونا

میگو یک نوع آبزیه
ده جفت پا و دو شاخک
سرسینه و یک شکم
اسم دمش تلسونه
پاهای عقب که ده تاست
ده پای دیگر جلوست
تو دسته‌ی حیونا



خوندي با چوڀونو وڃي ٿو
آب ڇوڙو ڪري ٿو
سڀني ڇوڪرن کي
تو ڀرپور ڀاءُ ٿو

ڳالهائيندا رهندو آهي
هر ڏينهن ڪو به ڪم ڪندو آهي
پيشه ڪم ڪري ٿو
تو ڀرپور ڀاءُ ٿو



آهای میگو کوچوله
آب شیرین یا شوره
خوشگلی یا که زشتی
با اون صدای کلفت

اتل مثل توتوله
خونه‌ی تو چه جوره
تو آبی یا تو خشکی
میگو کوچول به من گفت



خونہی میگو دو جورہ
آب شیرین و شورہ
آب شیرین کہ شد خونہ اش
تو رود خونہ هست نشونہ اش

اونیکہ تو آب شورہ
با گرما جفت و جورہ
وقتی تو آب شورہ
باز میگو جون، دو جورہ

یا توی آب دریاست
یا کہ توی استخرہ است
استخرہای پرورش
کارگر غذا میدہ بش

آب توی استخرہا
همون آب دریاہ است
میگو بخور فراوان
هوشت کند دو چندان



بگو به من خوش زبون
که بد میگن این همه
مشقاتو بد نوشتی
ظهرها نخواستیدی تو

این حرفها رو تو نگو
اونی که به ما داده جون
نزن تو حرفهای زشت
روی سرم شاخکهام

تو آفتاب رنگ به رنگه
همه اونها قشنگند
قهوهه ایش را نگفتی
شاخ کلفت ندارند

ای میگوی مهربون
چه کس با تو دشمنه
چرا میگن تو زشتی
شیطونی کرده ای تو

گفتش به من اون میگو
خداوند مهربون
توی کتابش نوشت
بین تو دست و پاهام

چشام چقدر قشنگه
میگوها رنگارنگند
سبز، سیاه، صورتی
میگوها سم ندارند





این دم و این شکم
خدا نموده خلقت
میگم من از دل و جون
تو هدیه بهشتی

دو شاخک نازکم
این همه را به حکمت
ای میگوی مهربون
کی گفته که تو زشتی

خواب یه میگو دیدم
لم داده بود به پستی
خوشکل و با مزه بود
خودش به من گفته بود

ای میگوی مهربون
معلم و بزرگها
پیش همه محبوبی
گفت میگو این حکایت

وقتی دیشب خوابیدم
میگو به اون درشتی
پستی اون خزه بود
اون مادر میگو بود

گفتم به اون میگو جون
چرا همه دکترها
میگن تو خیلی خوبی
با صبر و با متانت





معلم مهربون
زور زیاد میانند
هیچ ضرری ندارند
کلسیم و ید دارند
بزرگ میشی تو فوری
تازه تر از گل میشه

راست گفته بود دکتر جون
میگوها فایده دارند
چربی بد ندارند
میگوها فسفر دارند
میگو اگر بخوری
پوست تو خوشگل میشه

از مدرسه به خانه
دیدم مامان خوبم
میگو داره می پزه
گفتم میگو کوچولو
رفتم به آشپزخونه
مامان مهربونم
میگوهای خوشمزه
میگو کوچولو مچولو

گوشتهت چقدر لذیذه
دست و پاهات تمیزه
زیاده ویتامینها
بگو تو از خوبیها



یالا مامان دِ زود باش
جدا کن دست و پاهاش

بکن تو پوست و دُمش
بپز باهش یه خورش

ته چین ، خورشت قیمه

هر چی بخورم کمه

قارچ پلو ، میگو آب پز

بیشتر برایم بپز

سوپش چقدر خوشمزس

ماکارونیش بامزس

میگو اگر بخوری

بزرگ میشی تو فوری



دل براتون می لرزه
گر سمنه دِ یالا
نه نون می خوام و نه آب
تا بتونم بیرم
به هر کجا شد برم
صاحب زور بشم من
نمره بیست می خوام من
هر بچه‌ای می دونه
بزرگ میشی تو فوری

آی میگوهای سبزه
کجا بودید تا حالا
بیاید سریع تو بشقاب
میگو میخوام بخورم
پایین و بالا برم
می خوام قوی بشم من
هوش زیاد می خوام من
تو این دور و زمنه
میگو اگر بخوری

